

دکتر دونالد فاولر، پیشینه‌های عهد عتیق، درس دوم، توپوگرافی بین‌النهرین و اسرائیل

دان فاولر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر دان فاولر هستم و در حال تدریس در مورد پیشینه عهد عتیق. این جلسه دوم، توپوگرافی بین‌النهرین و اسرائیل است.

به جلسه دوم ما خوش آمدید. ما کمی در مورد جلسه اول صحبت کردیم، بنابراین سعی می‌کنیم از اینجا به بعد آن را به چیزی کمتر از یک ساعت محدود کنیم. کاری که می‌خواهیم انجام دهیم این است که سعی کنیم یک نکته ساده را بیان کنیم که ساختار زمین، توپوگرافی زمین توسط خدا خلق شده است، حداقل از دیدگاه کتاب مقدس. در آن دیدگاه در کتاب مقدس، خدا خالق است، اما بنابراین نتیجه می‌شود که او نقشه خود را از طریق توپوگرافی، از طریق خلقت این جهان، عملی می‌کند.

ارزش وقت گذاشتن را دارد، و مطمئنم شما هم با من موافق خواهید بود. مطالعه‌ی توپوگرافی ارزشش را دارد. در این ساعت، افکارمان را بین دو توپوگرافی تقسیم خواهیم کرد: بین‌النهرین و اسرائیل. البته بین‌النهرین بسیار بزرگتر از اسرائیل است.

این منطقه منبع قدرت‌های بزرگ خاور نزدیک باستان است. بزرگترین تمدن‌ها ابتدا از اینجا آغاز شده‌اند، بنابراین کاری که ما می‌خواهیم انجام دهیم این است که چندین نکته مهم را به شما نشان دهیم. همانطور که می‌بینید، منطقه سبز بزرگ است و می‌توان در آن کشاورزی کرد، اما شما را شگفت‌زده خواهد کرد زیرا در منطقه‌ای که ما به آن نگاه می‌کنیم، از دامنه‌های ترکیه امروزی، ارمنستان گرفته تا جنوب، میزان بارندگی هر چه به سمت جنوب بروید متفاوت است، معمولاً خشک‌تر است، بنابراین از حدود 16 اینچ باران در سال تا 8 اینچ متغیر است. خوب، واقعاً نمی‌توانید بر اساس 16 اینچ باران کشاورزی کنید.

بنابراین به همین دلیل، اگرچه خاک بسیار حاصلخیز است، اما آنها بارندگی کافی برای کشاورزی ندارند. بنابراین، این بدان معناست که در دوران باستان، بیشتر کشاورزی در نزدیکی رودخانه‌ها انجام می‌شد. آنها می‌توانستند آب را از رودخانه به زمینی که در آن زندگی می‌کردند منتقل کنند و از این طریق کشاورزی ساده‌ای انجام دهند.

با این حال، با بزرگ شدن و افزایش جمعیت این شهرها، به زمین‌های بیشتری برای کشاورزی نیاز داشتند و این زمانی بود که بشر به ایده آبیاری پی برد. بنابراین، کاری که می‌خواهیم انجام دهیم این است که به تخته کلاسمان بروم و یک تصویر ساده از نحوه عملکرد این نوع آبیاری برای شما ترسیم کنم. بنابراین، اگر رودخانه را دارید، و رودخانه به این شکل کار می‌کند، اما شهر را اینجا دارید، خوب، کاری که آنها انجام دادند این بود که جوی‌های آبیاری حفر کردند.

در این جوی‌های آبیاری، جامعه با همکاری یکدیگر یک جوی بزرگ حفر می‌کردند، و سپس از جوی اصلی آبیاری، آب را به جوی‌های کوچک‌تر مانند این می‌سپردند، و از این طریق، می‌توانستند مساحت را بسیار بزرگتر از جوی اصلی مرکزی که شهر توسعه داده بود، افزایش دهند. بنابراین، آنچه این امر منجر به آن شد، چیزی است که محققان از آن به عنوان فرهنگ رودخانه‌ای یاد می‌کنند. این فرهنگی است که در اطراف رودخانه‌ها ساخته شده است، و این همان شیوه‌ای است که در خاورمیانه وجود داشت زیرا بارندگی کافی وجود ندارد، اما زمین‌های فراوانی وجود دارد.

بنابراین، هم در بین‌النهرین، عراق امروزی، و هم در مصر، تمدن‌ها حول رودخانه‌ها می‌چرخیدند و باید آبیاری می‌شدند. و بنابراین، در بین‌النهرین، آنها این خندق‌ها را حفر کردند و این خندق‌ها منجر به توانایی کشت زمین‌های بسیار بزرگتری شد. و بنابراین، ما در حال حاضر دو نکته را مطرح می‌کنیم.

یکی اینکه بارندگی ناکافی اما آب فراوان است. دوم اینکه خاک بسیار حاصلخیز است، اما تنها راه برای قابل کشت کردن آن آبیاری است. در نتیجه، این امر منجر به پدیده شهرنشینی و توسعه شهرها شد و آن را تقویت کرد.

ظاهراً مردم برای کشاورزی در مقادیر بیشتر و بیشتر، در این مراکز شهری محصولات را جمع‌آوری می‌کردند و سپس به صورت اشتراکی به هم می‌پیوستند تا میزان قلمرو قابل کشت را افزایش دهند. این امر منجر به توسعه شهرهای بزرگ متعدد در این منطقه شد، که همه اینها به دلیل این واقعیت مهم بود که این منطقه از بهترین خاک‌های سطحی روی زمین بود. خاک سطحی از زاگرس در شرق و به فلات آناتولی در شمال می‌آمد.

این امر منجر به چنان کشاورزی موفق شد که تا دوران مدرن، زمانی که انسان‌ها یاد گرفتند کود شیمیایی تولید کنند، نتوانستیم با میزان کودی که آنها در هر هکتار از این خاک بکر - خاکی که هرگز کاشته نشده بود - به دست می‌آوردند، برابری کنیم و از آن پیشی بگیریم. این امر فرهنگ آنها را به یک محرک اقتصادی تبدیل کرد.

معنایش این بود که آنها چیزی داشتند که بسیار نادر بود. آنها غذای اضافی داشتند. این واقعیت واقعاً تاریخ بشر را تغییر داد.

در ادامه‌ی این درس جغرافیا و بین‌النهرین، بیشتر در این مورد صحبت خواهیم کرد. زمین‌های کشاورزی فراوانی وجود داشت. خاک آن فوق‌العاده حاصلخیز بود.

آنها غذای اضافی داشتند، که به ما یادآوری می‌کند که به نمودار انتقال عمودی برگردیم. در فرهنگ ما اینجا در آمریکا، خرید غذا واقعاً هزینه زیادی ندارد.

خب، من شخصاً خیلی اهل خوردن نیستم، اما می‌توانم با کمتر از ۲۰ دلار در هفته برای غذا زندگی کنم. همسرم می‌تواند این را به شما بگوید. اصلاً سخت نیست.

غذا در آمریکا ارزان است، اما در دوران باستان اینطور نبود. در شرایط مدرن، غذا عامل اصلی در بودجه خانواده است.

در دنیای آنها، این کار هزینه زیادی دارد. این بدان معناست که حوزه بین‌النهرین از مزیت ژئوپلیتیکی عظیمی برخوردار بود، زیرا می‌توانست غذا تولید کند و در نهایت از آن به عنوان یک عامل صادراتی یا تجاری استفاده کند. نه تنها خاک حاصلخیز بود، بلکه به دلیل وجود رودخانه‌ها، آنها می‌توانستند تجارت کنند.

آن دو رودخانه، دجله و فرات، می‌توانستند برای حمل غذا به بالادست یا پایین‌دست رودخانه مورد استفاده قرار گیرند. و این منجر به توسعه تمدن شد. و بنابراین، این یک عامل اصلی است که به شما نشان می‌دهد چگونه توپوگرافی تاریخ را تولید می‌کند.

اولین تمدن‌ها به دلیل توپوگرافی در اینجا توسعه یافتند. و اولین نهادهای سیاسی جهانی، یعنی قدرت‌ها، به دلیل این مازاد ثروت توسعه یافتند. بنابراین این یک عامل مهم است و ما را به ... اجازه دهید آن را به شما معرفی کنم؛ من آن را یک «لیتانی «می‌نامم.

مطمئن نیستم اصطلاحش چیه، اما اگه اجازه بدید می‌خوام اینجا براتون روی تخته بنویسمش. اینجوریه. اسمش رو می‌گذاریم توپوگرافی.

این توپوگرافی نیاز به آبیاری دارد. باران کافی نیست، خاک عالی است، باران کافی نیست. با این حال، آبیاری نیاز به یک تلاش جمعی دارد.

بنابراین، در بین‌النهرین، آبیاری منجر به شهرنشینی شد. به عبارت دیگر، فقط مراکز شهری می‌توانستند نیروی انسانی لازم برای ایجاد آبیاری کافی برای شکوفایی بشر را تولید کنند. شهرنشینی، من فلش خود را اینجا رسم می‌کنم، اما آن را به این شکل می‌نویسم.

شهرنشینی از نظر سیاسی منجر به تمرکزگرایی می‌شود. به عبارت دیگر، جامعه‌شناسی مراکز بزرگ شهری مستلزم تغییر در قالب سیاسی بود که در کتاب مقدس بسیار مهم است.

و آن تغییر را می‌خواهم اینجا در دسته‌بندی خودش با حروف بزرگ بنویسم: پادشاهی. همانطور که در این بحث توپوگرافی پیش می‌رویم، می‌توانید در بین‌النهرین ببینید که توپوگرافی منجر به توسعه مراکز شهری شد. که نیاز به یک سیستم سیاسی متفاوت داشت.

و آن سیستم منجر به پادشاهی شد. و پادشاهی، من تسلیم شما هستم، البته لازم نیست موافقت کنید، اما من تسلیم شما هستم که در مورد پادشاهی به عنوان مهمترین استعاره و حیانی برای وجود خدا فکر کنید. پادشاهی خیلی زود در بین‌النهرین آغاز می‌شود.

این در اسرائیل نسبتاً دیر شروع می‌شود. بسیار خوب، پس ما در مورد آن هم صحبت خواهیم کرد. چیزی که من به شما اشاره کردم این است که خاک بسیار حاصلخیز است، اما توپوگرافی نیاز به همکاری دارد.

همکاری منجر به اجتماعی شدن جدید می‌شود. و البته این منجر به توسعه سلطنت شد. بنابراین این یک عامل مهم است.

بیاید به نقشه خودمان برگردیم و کمی بیشتر در مورد واقعیت‌های جغرافیایی بین‌النهرین صحبت کنیم. بین‌النهرین، اگر بتوانیم آن را در استعاره‌ای مانند رحم یک زن در نظر بگیریم، بین‌النهرین یک منطقه جغرافیایی مستقل است. منظورم این است.

وقتی به نقشه بین‌النهرین نگاه می‌کنیم، در غرب، صحرای تقریباً صعب العبور عربستان را می‌بینیم. این صحرا عملاً مرز غربی کل منطقه را تضمین می‌کند. هرگز، هرگز از غرب مورد تهاجم قرار نخواهد گرفت.

وقتی به نقشه شمال نگاه می‌کنید، رشته‌کوه‌های انبوهی را می‌بینید که آناتولی، ترکیه امروزی، را از بین‌النهرین جدا می‌کنند. بنابراین، حرکت از شمال به جنوب را دشوار می‌کند. انسان‌ها می‌توانند این کار را انجام دهند، اما آسان نیست.

بنابراین، یک مانع محافظ طبیعی دارد. به هیچ وجه از سمت شمال کاملاً مهر و موم نشده است، اما این یک مانع محافظ طبیعی برای شمال است، آن رشته کوه ها. وقتی به سمت شرق می روید، کوه های زاگرس را دارید.

کوه های زاگرس، به خصوص در بخش های مرتفع آن، رفتن از شرق به غرب یا غرب به شرق بسیار دشوار است. سپس وقتی به جنوب می رویم، می بینید که خلیج فارس را دارید. بنابراین، کاری که این می کند این است که یک ماتریس فیزیکی برای تولد امپراتوری ها ایجاد می کند.

این یک پدیده توپوگرافی طبیعی است که این منطقه خودکفا در نهایت از نظر سیاسی متحد شده و منجر به امپراتوری ها شده است. بنابراین، با توجه به این نکته، آنچه که ما با نگاه به همه اینها داریم، منطقه ای است که در آن یک دینام تولیدکننده غذا بوده است. بنابراین، بیایید در مورد برخی از ویژگی های عجیب این منطقه بین النهرین صحبت کنیم.

آنها غذای زیادی دارند، اما برخی از عوامل واقعاً حیاتی برای توسعه انسانی را از دست داده اند. اول اینکه آنها عملاً هیچ چوبی ندارند. انسان ها برای ساختن تمدن های خود به روش هایی که ما واقعاً چیز زیادی در مورد آنها نمی دانیم، به چوب متکی بوده اند.

ما فقط به فروشگاه بیلدرز مارت یا لووز یا هر جای دیگری می رویم و الوارهایمان را می خریم. واقعیت این است که در دوران باستان، از اقیانوس اطلس تا کوه های اورال، یک نوار باریک از الوارهای دست نخورده وجود داشت. در طول هزاره ها، انسان ها بخش عمده ای از آن منطقه را جنگل زدایی کرده اند.

اینجا در فرهنگی که هیچ چوبی وجود ندارد چه می کنند؟ اینجا یک دشت سیلابی است. هیچ چوبی به جز درختان نخل، خرما و چیزهایی از این قبیل وجود ندارد. خب، آنها از گل ساخته اند چون این چیزی بود که داشتند.

آنها سنگ زیادی نداشتند، فقط گل. بنابراین، این به این معنی است که کمبود چوب مانع آنها شده بود. ثانیاً، فلزی وجود ندارد.

نزدیک ترین ذخایر فلزی روی آن نقشه در شمال آناتولی قرار دارند، جایی که آهن وجود دارد. اما البته هزاران سال طول خواهد کشید تا بشر بتواند بفهمد چگونه آهن را ذوب کند. ذخایر مس در سراسر آن پراکنده شده اند، اما هیچ مسی، هیچ فلزی با هیچ اهمیتی، در تمام آن دشت سیلابی وجود ندارد.

بنابراین این به معنای فقدان برخی از ملزومات فرهنگ بشری بود و به نظر می رسد یکی از عواملی بوده که منجر به تجارت از راه دور شده است. و آن تجارت از راه دور از طریق آن رودخانه ها انجام می شد و بنابراین بین النهرینی ها غذای زیادی داشتند. همسایگان آنها برخی چیزهای دیگر را داشتند که فرهنگ آنها فاقد آن بود، مانند فلز و چوب.

به دلیل وجود آن رودخانه ها، تجارت در مسافت های طولانی امکان پذیر شد. بنابراین، این منطقه ای است که به طور منحصر به فردی محصور شده و این امر آن را قادر می سازد تا از نظر سیاسی متحد و قدرتمند شود، اما منطقه ای است که آب و هوا و توپوگرافی خاص خود را دارد. بنابراین، وقتی از قسمت شمالی شروع می کنیم، در زمستان مرطوب تر و خنک تر است.

وقتی به سمت جنوب می‌رویم، هر چه جلوتر می‌رویم، هوا خشک‌تر و گرم‌تر می‌شود. بسیاری از سربازان آمریکایی می‌توانند در مورد این پدیده به شما بگویند، زیرا بسیاری از آنها برای مدت طولانی در عراق جنگیده‌اند و این یعنی بین‌النهرین.

و بنابراین اجازه دهید این نکته را مطرح کنم. همانطور که در ارائه من می‌توانید بگویید، این منطقه‌ای است که برای خودش منطقه‌ای است. امپراتوری برای اولین بار در اینجا، یکی پس از دیگری، به مدت ۲۰۰۰ سال توسعه یافت.

اما این منطقه‌ای است که، حداقل برای اهداف سفر، به هلال حاصلخیز متصل است. و بنابراین، اگر به بالای نقشه برویم، می‌توانید ببینید که منطقه‌ی بالا سبز است. و بنابراین، انسان‌ها می‌توانند در این منطقه از شرق به غرب تجارت کنند.

خشک است و سفر به آن خیلی آسان نیست. اما سفر می‌تواند اتفاق بیفتد و از غرب به شرق و از شرق به غرب هم اتفاق افتاده، اما نه تا کمی دیرتر. بنابراین، این نیمه اول بحث ماست.

چیزی که قرار است به ما بگوید این است که امپراتوری‌های بزرگ در بین‌النهرین توسعه یافتند و این امپراتوری‌ها در نهایت بر کشوری که ما به آن علاقه بیشتری داریم، هرچند کشوری بسیار کوچک، یعنی اسرائیل، تأثیر گذاشتند. بنابراین، کاری که ما می‌خواهیم انجام دهیم این است که توجه خود را به غرب معطوف کنیم و نگاهی به جغرافیای منحصر به فرد اسرائیل بیندازیم و به شما نشان دهیم که از طریق مسیرهای زمینی که انسان‌ها می‌توانند در آن سفر کنند، به هم متصل است و بنابراین شرق می‌تواند به غرب و غرب می‌تواند به شرق برسند. با این حال، به دلایل مختلف، توپوگرافی آن کاملاً متفاوت است.

بنابراین، چیزی که در مورد این توپوگرافی به شما پیشنهاد می‌کنم این است که خیلی حاصلخیز نیست. برخی مناطق حاصلخیز دارد، اما محدود به یک منطقه خاص هستند. این دره‌ها حاصلخیز هستند، اما بیشتر آنها سنگی هستند.

در دوران باستان، این منطقه پوشیده از جنگل بود. در واقع، تقریباً همه نام درختان سدر لبنان را شنیده‌اند. کتاب مقدس بارها در مورد آنها صحبت می‌کند.

خب، اینها سروهای هستند که تقریباً منقرض شده‌اند. تقریباً تا آخرین سرو بریده شده‌اند. اما این سروهایی هستند که در این منطقه کوهستانی مرتفع همین جا وجود دارند.

در اسرائیل، به خودی خود، درخت سرو وجود نداشت. بیشتر درختان بلوط بودند. اما در دوران باستان، این منطقه درختانی داشت که آنها را قادر می‌ساخت تا بتوانند چیزهایی را که انسان‌ها می‌توانند با الوار بسازند، بسازند.

می‌دونی، توجهم رو جلب نکرده بود، اما دوباره به ذهنم اومد. از اونجایی که نمی‌تونم نوار رو به عقب برگردونم، آگه می‌تونستم فقط برای یه لحظه کوتاه تو رو با خودم به بین‌النهرین ببرم، کاملاً یادم رفت بهت بگم که یه مشکلی تو بین‌النهرین وجود داشت. و این مشکلی که ابعاد خیلی بزرگی تو تاریخ جهان داره.

و مشکل این است که وقتی این مزارع با آب رودخانه‌ها، در طول هزاره‌ها، کوددهی شدند، این امر یک مشکل زیست‌محیطی درجه یک ایجاد کرد. در این آب، که عمدتاً، اما نه منحصراً، از اینجا در آناتولی در ترکیه امروزی می‌آید، رسوبات معدنی موجود در آن آب بسیار زیاد بود. در واقع، همه ما درباره دریای مرده در اسرائیل شنیده‌ایم و اینکه چگونه موجودات زنده در آن زندگی نمی‌کنند زیرا سرشار از مواد معدنی است.

خب، وقتی به ترکیه امروزی می‌روید، دریاچه‌هایی وجود دارد، دریاچه‌های بزرگی که خیلی شورتر از دریای مرده هستند. بنابراین، این کوه‌ها که بالا می‌آیند، مواد معدنی را آزاد می‌کنند که این دو رودخانه آنها را به پایین می‌آورند. آن مواد معدنی در آن آب هستند.

و بنابراین، وقتی از آن آب برای آبیاری استفاده می‌شود، هر سال که آبیاری انجام می‌شود، یک رسوب، که ما آن را شور می‌نامیم، ایجاد می‌شود، یک رسوب شور ایجاد می‌شود و به خاک آسیب می‌رساند. حال، اگر آنها می‌دانستند چه اتفاقی می‌افتد، حداقل می‌توانستند چیزی را که شور شدن خاک نامیده می‌شود، کند کنند. روشی که ما در کشورمان کشت می‌کنیم، کشت ردیفی نامیده می‌شود.

بیشتر اوقات، به دلیل وجود ماشین‌آلات مدرن، کشاورزان امروزی اینگونه عمل می‌کنند. کشت ردیفی به این معنی است که کشاورز یک تپه کوچک ایجاد می‌کند، و سپس با استفاده از تجهیزات مدرن در بالای تپه اینجا یک گودال حفر می‌کند، یا دستگاه یک گودال حفر می‌کند، و سپس بذر اینجا کاشته می‌شود. بسیار خب؟ خب، آنها در دوران باستان محصولات را ردیف نمی‌کردند.

آنها با روش غرقابی آبیاری می‌شوند. و بنابراین، زمین مسطح بود، بذرها در زمین کاشته می‌شدند و سپس آب به صورت سیل آسا روی زمین پخش می‌شد. این بدان معناست که خاکی که می‌توانست به این روش محافظت شود، در معرض شور شدن قرار گرفت.

در واقع، وقتی مردم امروز به جنوب بین‌النهرین یا جنوب عراق می‌روند، اغلب این سوال برایشان پیش می‌آید که چرا کسی باید بر سر این موضوع بجنگد. خب، ما می‌دانیم، حداقل در بخش شمالی عراق، این به خاطر نفت است. اما وقتی به جنوب عراق امروز نگاه می‌کنید، خاک... چیزهای سبز بسیار کمی وجود دارد. و این نتیجه مستقیم هزاران سال شور شدن خاک توسط این فرآیند آبیاری است.

و بنابراین، این یک دلیل مهم زمین‌شناسی است که توضیح می‌دهد چرا تمدن‌هایی که بسیار بزرگ بودند در نهایت رو به زوال رفتند و ابتدا به شرق به ایران و سپس به غرب به مدیترانه منتقل شدند. این یک عامل اصلی در از دست دادن قدرت بود زیرا هر ساله، از نظر ریاضی، تولید محصول کمتر مؤثر بود تا اینکه در طول هزاره‌ها، حاصلخیزی خاک به میزان زیادی کاهش یافت. بنابراین، این مشکل شور شدن خاک، محصول، زمین کشاورزی را به... در واقع، سطح خاک اکنون آنقدر سفت است که در ماه‌های زمستان، وقتی باران می‌بارد، به منظره نگاه می‌کنید و آب را در همه جا می‌بینید.

و افرادی که به آنجا سفر می‌کنند فکر می‌کنند که آب فراوانی دارند، در حالی که در واقع، آب آنجاست زیرا نمی‌تواند به طور مؤثر از آن گنبد نمکی عبور کند. بنابراین، ما این مشکلی را که در مورد آن صحبت می‌کنم داریم، و این در نهایت منجر به از بین رفتن بین‌النهرین به عنوان منطقه مرکزی قدرت جهان به همراه سایر الگوهای متغیر شد. بنابراین، ببخشید که این را از قلم انداختم و به اسرائیل برمی‌گردیم و این منطقه را برای شما در اینجا توضیح خواهیم داد.

همانطور که می‌بینید، خاک خیلی خوب نیست اما جنگلی است، یا حداقل بود. و مقداری ذخایر فلزی وجود دارد، هرچند زیاد نیست. بیشتر ذخایر مس از جزیره قبرس به اینجا آمده است.

Cyprus و copper از نام قبرس گرفته شده است. اگر به حروف بی‌صدای copper کلمه انگلیسی ما یعنی نگاه کنید، حروف بی‌صدا یکسان هستند. بنابراین، این منطقه خاک سطحی خوبی ندارد، اما می‌تواند جمعیت را حفظ کند.

این کشور جنگل دارد، به این معنی که می‌تواند از آنها برای ساخت خانه و همچنین چیزهایی مانند کشتی یا سلاح استفاده کند. و رطوبت هم دارد. در واقع، هر چه به سمت شمال بروید، منطقه مرطوب‌تر می‌شود.

هر چه به سمت جنوب بروید، خشک‌تر است. هر چه به سمت شرق بروید، خشک‌تر است. بنابراین، اگر به نقشه اسرائیل نگاه کنیم و میزان بارندگی را ببینیم، نقشه‌ای به دست می‌آوریم که این تنوع به معنای واقعی کلمه باورنکردنی در میزان بارندگی را به ما نشان می‌دهد.

من متخصص سطح زمین نیستم، اما تعجب نمی‌کنم که هیچ جایی روی سطح زمین وجود ندارد که ۱۰۰ مایل بتواند تفاوتی که در اسرائیل ایجاد می‌کند را ایجاد کند. به عبارت دیگر، ممکن است نتوانید آن را ببینید، اما روی نقشه می‌توانم به شما بگویم که مناطق آبی نشان دهنده ۶۰ اینچ رطوبت در سال هستند. همانطور که می‌توانید حدس بزنید، من مطمئنم که آنها مناطق کوهستانی هستند.

در واقع، این کوه هرمون است که تقریباً ۱۰۰۰۰ فوت ارتفاع دارد. اما به دلیل ارتفاع، مناطقی که همین جا هستند، حدود دو و نیم برابر میزان بارندگی که ما اینجا در ویرجینیا داریم، بارندگی دریافت می‌کنند. می‌توانید ببینید که منطقه بزرگتری در اینجا قرار دارد؛ مطمئن نیستم؛ فکر می‌کنم این نوعی زرد است.

این یعنی بیش از ۴۰ اینچ باران در سال. این تقریباً دو برابر چیزی است که ما در ویرجینیا دریافت می‌کنیم. و سپس، همانطور که می‌بینید، هرچه به سمت جنوب بروید، در سایه‌های مختلف قهوه‌ای، میزان قهوه‌ای از حدود ۳۰ اینچ باران در سال به شاید ۲۰ اینچ می‌رسد.

بنابراین، همانطور که می‌توانید حدس بزنید، کل این منطقه که هسته اسرائیل را تشکیل می‌دهد، بارندگی کافی برای کشت دارد. می‌بینید هر چه به سمت جنوب بروید، چقدر؟ اگر بخواهیم به شما نشان دهیم که از چه فواصل کوچکی صحبت می‌کنیم، از همین جا، که دریاچه هولا است، تا بئر شبع، تقریباً ۱۰۰ مایل فاصله است. در ۱۰۰ مایل، از ۶۰ اینچ باران به ۱۰ اینچ می‌رسید.

آیا این واقعاً شگفت‌انگیز نیست؟ اینجا، شما فقط حدود ۷۰ مایل از ساحل، جایی که سالانه ۳۰ اینچ باران می‌بارد، تا شکاف اردن، جایی که سالانه ۱۰ اینچ باران می‌بارد، فاصله دارید، همه اینها در فاصله‌ای تنها ۵۰ یا مایلی. بنابراین، چیزی که این به ما می‌گوید دو اصل است که توپوگرافی اسرائیل را پوشش می‌دهد. هر چه ۶۰ به سمت شمال بروید، مرطوب‌تر است.

هر چه بالاتر بروید، مرطوب‌تر می‌شود. بنابراین، اسرائیل روی این پدیده کاملاً منحصر به فرد قرار دارد که برخی از محققان آن را خط باران می‌نامند. همانطور که می‌توانید حدس بزنید، خط باران تقریباً از میان کشور عبور می‌کند.

بنابراین، اگر شما در جنوب خط باران هستید، که روی یک خط شمال-جنوب عمل می‌کند، اگر در جنوب آن خط باران باشید، بارندگی کافی وجود دارد. اما اگر در شمال خط باران باشید، ببخشید، اشتباه گفتم، در شمال خط باران، بارندگی کافی وجود دارد. در جنوب آن، ممکن است بارندگی کافی نباشد یا نباشد.

آن خط بارندگی تقریباً از وسط جایی که ما اسرائیل می‌نامیم عبور می‌کند. خیلی خب؟ خب، ما داریم چیزهایی در مورد توپوگرافی یاد می‌گیریم. قرار است چیزهایی در مورد تولید مواد غذایی اینجا یاد بگیریم که اسرائیل را متفاوت هم می‌کند.

در بین‌النهرین، در تولید مواد غذایی، کشاورزی مبتنی بر غلات است و تقریباً منحصرأ گندم و جو و برخی سبزیجات کشت می‌شود. در اسرائیل، توپوگرافی متفاوتی وجود دارد، به این معنی که محصولات متفاوتی

دارند. مطمئناً، آنها گندم و جو کشت می‌کنند، اما این محصولات فقط در جایی که خاک سطحی مناسبی داشته باشید، به طور مؤثر رشد می‌کنند.

وقتی به اسرائیل نگاه می‌کنیم، چیزی که داریم فرهنگ کوهستانی است، به این معنی که پرورش انگور نه تنها ممکن است، بلکه ترجیح داده می‌شود. پدیده تپه‌ها به گونه‌ای است که محصولات مانند آنچه ما فکر می‌کنیم، جز در دره‌ها نمی‌توانند به طور مؤثر پرورش یابند. اما کوه‌ها تقریباً برای پرورش انگور ایده‌آل هستند.

و بنابراین انگور رطوبت زیاد را دوست ندارد، و گرمای بیش از حد را هم دوست ندارد، به همین دلیل است که هم در بین‌النهرین و هم در مصر، کمبود کامل انگور وجود داشت. اما وقتی صحبت از اسرائیل می‌شود آب و هوای ایده‌آلی برای آن وجود دارد. بادهای اغلب از اقیانوس مدیترانه می‌وزند و نسیم خنکی را با خود می‌آورند.

و شب‌ها، شب‌نم روی آن می‌نشیند، که روشی است که انگورها دوست دارند رطوبت خود را دریافت کنند. به همین دلیل است که وقتی عهد عتیق خود را می‌خوانید، در مورد شب‌نم با عبارات بسیار مثبتی می‌خوانید. تا جایی که من به یاد دارم، هرگز با عبارات منفی به تصویر کشیده نشده است.

بنابراین، این یک فرهنگ زراعی کاملاً متفاوت ایجاد می‌کند. و بنابراین در اسرائیل و مناطق شمالی، لبنان، منطقه‌ای وجود دارد که قادر به پرورش دو چیز است. زیتون و انگور.

هر دوی آنها توانایی فوق‌العاده‌ای برای تأمین نیازهای مردم در تمام طول سال دارند. منظورم این است که انگورها را می‌توان خشک کرد و به کشمش تبدیل کرد، به این معنی که شما می‌توانید آنها را در تمام زمستان با خود داشته باشید. و این بدان معناست که در بین‌النهرین می‌توانید تمام زمستان میوه داشته باشید، در حالی که آنها چنین چیزی نداشتند.

بنابراین، کشمش میوه ماه‌های زمستان را فراهم می‌کند. ثانیاً، زیتون برای فرهنگ آنها بسیار مهمی دارد زیرا درخت زیتون میوه زیادی تولید می‌کند و زیتون را می‌توان خورد یا به روغن تبدیل کرد. روغن به دو دلیل مذهبی بخش حیاتی فرهنگ آنها بود، زیرا از آن برای تدهین انسان‌ها در مناسک معنوی و مذهبی و مهمتر از آن، برای پخت و پز و روشنایی استفاده می‌شد.

می‌دانید، روغن زیتون این کار را می‌کرد. بنابراین، این دو محصول، فرهنگ و سبک زندگی متفاوتی را ایجاد کردند. این بدان معناست که این منطقه فرهنگی داشت که کاملاً متفاوت از یا تا حد زیادی متفاوت از فرهنگ بین‌النهرین بود.

آب و هوا متفاوت است. آنها به دلیل ارتفاع می‌توانند زمستان داشته باشند. در واقع، یکی از شگفت‌انگیزترین چیزهایی که می‌توانم در مورد اسرائیل به شما بگویم این است که اگر به نقشه ما در اینجا نگاه کنیم، و اگر بالای دریای مرده را پیدا کنید، و به سمت غرب بروید، به اورشلیم می‌رسید.

می‌بینید، جایی که اورشلیم در یک خط شرقی-غربی قرار دارد، تقریباً کاملاً در بالای دریای مرده قرار دارد. و اگر به آن نگاه کنید، می‌توانید ببینید که از اورشلیم تا دریای مرده تقریباً ۱۲ تا ۱۵ مایل فاصله است. من شخصاً آنجا بوده‌ام وقتی که در اورشلیم ۳۰ سانتی‌متر برف هست، و شما ۱۰ مایل به سمت پایین به سمت شکاف اردن می‌روید، و آنها در حال پرورش موز هستند.

از آنجا که شکاف اردن ۱۰۰۰ فوت پایین‌تر از سطح دریا است، اورشلیم ۲۵۰۰ فوت بالاتر از سطح دریا قرار دارد، بنابراین در کجای دیگر روی زمین می‌توانیم مکانی را پیدا کنیم که در چنین فاصله کوتاهی چنین تغییر توپوگرافی داشته باشد؟ این منجر به آب و هوای متفاوت و توپوگرافی متفاوتی می‌شود. زمانی که به اینجا در این منطقه می‌رسیم، بخش عمده‌ای از آن به نام نقب شناخته می‌شود و عمدتاً مسطح است. دشت ساحلی مسطح است.

توپوگرافی این منطقه از شمال به جنوب و به صورت تپه ماهوری است. ما شکاف بزرگ اردن را داریم که می‌تواند برای کشاورزی مورد استفاده قرار گیرد و سپس کوه‌ها را داریم.

یکی از جالب‌ترین داستان‌ها در مورد قوم خدا، به استثنای موارد نادر، داستان اسرائیل است. این داستان مردمی است که متحد نبودند. وقتی مصر را ترک کردند، دچار تفرقه شدند.

آنها گروهی از قبایل جدا از هم بودند. چندین بار، موسی مجبور شد از خدا التماس کند که او را نجات دهد زیرا آنها آماده بودند تا او را بکشند. وقتی در نهایت از بیابان به کشور واقعی اسرائیل رسیدند، همکاری نکردند.

آنها متحد نمی‌شوند. ما بلافاصله در زمان یوشع می‌خوانیم که آنها فقط در دوره سلطنت متحد، دوره‌ای حدود ۱۰۰ سال و بیشتر که در آن متحد بودند، از هم گسیخته شدند. خب، دوستان، یکی از دلایلی که آنها اینقدر متفرق بودند، به هیچ وجه تنها دلیل نبود، اما یکی از دلایلی که آنها اینقدر متفرق بودند، به دلیل توپوگرافی بود.

این امر سفر در این منطقه را بسیار دشوار می‌کرد. شما مناطق مختلفی داشتید که منجر به سبک‌های زندگی، متفاوتی می‌شد. تنها در یک منطقه کوچک، آنها گویش‌های زبانی متفاوتی داشتند. به دلیل همین تفاوت برقراری ارتباط دشوار بود.

یکی از موانع بنی اسرائیل، جغرافیا بود که به اتحاد کمکی نمی‌کرد. بنابراین، توپوگرافی بسیار متنوعی با آب و هوای بسیار متفاوت وجود داشت. در امتداد ساحل و در شکاف اردن، چیزی است که ما آن را نیمه گرمسیری می‌نامیم. وقتی به منطقه تپه مرکزی می‌رسیم، آب و هوای کاملاً متفاوتی وجود دارد.

بنابراین، منظور این بود که این منطقه فقط به طور طبیعی متحد نیست. بنابراین، با این اوصاف، کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که در مورد پدیده هلال حاصلخیز و تجارت برای شما توضیح دهم. خداوند قوم خود را از بین تمام مکان‌های روی زمین قرار داده است، این یکی از مکان‌هایی نیست که من انتظار داشتم خداوند قوم خود را در آن قرار داده باشد.

از نظر توپوگرافی، چرا خدا بنی اسرائیل را آنجا قرار داده است؟ خب، من فکر می‌کنم دلایل الهیاتی متعددی وجود دارد که این موضوع را مهم می‌کند. یکی از آنها این است که از نظر الهیاتی، وقتی عهد عتیق را به طور خاص می‌خوانید، خدا اسرائیل را به منظور وابستگی در یک منطقه توپوگرافی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد خدا می‌داند که برای داشتن رابطه‌ای مناسب با خدا، بشر باید یاد بگیرد که به او وابسته است.

خب، با قرار دادن قومش در این بخش از جهان، اسرائیل به طرق بسیار ویژه‌ای به خدا وابسته است. به طور خاص دو مورد. اول، همانطور که قبلاً به شما گفتم، خط باران درست از وسط کشور عبور می‌کند.

بنابراین، تنها کاری که خدا باید انجام دهد، البته نمی‌دانم چگونه این کار را انجام می‌دهد، اما تنها کاری که باید انجام دهد این است که خط باران را جابجا کند و در بیشتر اسرائیل قحطی خواهد آمد. تنها کاری که

او باید برای برکت دادن به اسرائیل انجام دهد این است که خط باران را به سمت جنوب جابجا کند و کل کشور بتواند بارندگی کافی داشته باشد. اسرائیل در یک منطقه توزیع بارندگی بسیار متغیر قرار دارد.

من فکر می‌کنم دلیلش این است که خدا در قوم خود، اسرائیل، این الزام را ایجاد می‌کرد که برای دریافت نعمت او، آنها باید مطیع باشند. وقتی کتاب تثنیه را می‌خوانید، به ویژه کتاب تثنیه، تثنیه به روشنی بیان می‌کند که راه ارتباط موفقیت‌آمیز آنها با خدا، اطاعت از قوانینی بود که خدا داده بود، و اگر چنین می‌کردند، خدا آنها را برکت می‌داد. از سوی دیگر، اگر آنها نافرمان بودند، کتاب مقدس نشان می‌دهد که گاهی اوقات فصل‌های کاملی به توصیف لعنت‌ها اختصاص داده شده است که در آن خدا تمام لعنت‌هایی را که خواهد فرستاد فهرست می‌کند و از بین آنها برخی را برای فرستادن بر اسرائیل انتخاب می‌کند.

و بنابراین، چه در ۲۰ مایلی شمال باشید و چه در ۲۰ مایلی جنوب، توزیع نعمت‌ها و لعنت‌ها در این بخش از جهان بسیار آسان است. این یک عامل مهم در تفکر ما در مورد کتاب مقدس است زیرا به ما یادآوری می‌کند که خدا می‌خواهد ما به او وابسته باشیم نه به خودمان. این یک مشکل بسیار کاربردی است که ما در دنیای مدرن با آن روبرو هستیم زیرا در دنیای مدرن، می‌توانیم زندگی خود را به گونه‌ای پیش ببریم که به نظر من، خدا قوم خود را در این منطقه قرار دهد زیرا این منطقه‌ای است که آنها باید به طرق خاصی به او وابسته باشند.

خدا می‌تواند با پاداش دادن به آنها برای اطاعت، سخاوت خود را نشان دهد، و می‌تواند با مجازات کردن آنها برای نافرمانی‌شان، قاطعیت خود را نشان دهد. با این حال، این تنها دلیل ارزش توجه به توپوگرافی اسرائیل نیست. دومین منطقه توپوگرافی که توجه شما را جلب می‌کند، پل خشکی است که مکان‌نما به آن اشاره می‌کند. این منطقه کوچک ۱۰۰ مایلی، پل خشکی است که سه قاره را به هم متصل می‌کند.

هر سه قاره باید از طریق چیزی که ما اسرائیل می‌نامیم به سمت شمال یا جنوب بروند. این امر این منطقه را، به یکی از استراتژیک‌ترین نقاط جغرافیایی در کل سطح زمین، چه در دوران باستان و چه در دوران مدرن تبدیل کرده بود. مصری‌ها هیچ راهی برای رفتن به شمال نداشتند، در حالی که این تنها راهی بود که می‌توانستند بروند.

هیچ راهی وجود نداشت که آنها بتوانند بدون عبور از اسرائیل به شمال بروند. در دوران امپراتوری‌های بزرگ بین‌النهرین، به‌ویژه امپراتوری آشور، هیچ راهی وجود نداشت که آنها بتوانند به آخرین قطعه زمین برای فتح برسند. آن قطعه زمین مصر بود.

هیچ راهی وجود نداشت که آنها بتوانند این کار را بدون عبور از اسرائیل انجام دهند. این بدان معنا بود که این قطعه زمین کوچک توسط همسایگان فوق‌العاده قدرتمندی احاطه شده بود. بگذارید ببینم می‌توانم مثالی بزنم یا نه.

به لحاظ جغرافیایی امروزی، فکر می‌کنم حدود چهار تا پنج میلیون اسرائیلی وجود دارد. اگر حافظه‌ام درست باشد، وقتی به سمت جنوب می‌روید، ۷۰ یا ۸۰ میلیون مصری وجود دارد. این تصویر کاملی از وضعیت ناامیدکننده‌ای است که بنی‌اسرائیل در آن قرار داشتند، در محاصره یک موجودیت بسیار قدرتمندتر در جنوب مصر یا در شرق، امپراتوری‌های بزرگ بین‌النهرین (در مورد آشوری‌ها و پس از آنها بابلی‌ها و پس از آنها پارس‌ها (بودند، همه اینها جمعیت بسیار بیشتری از اسرائیل داشتند).

بنابراین، منظور این بود که خداوند قوم خود را در مکانی کاملاً استراتژیک قرار داده است که توسط قدرت‌هایی احاطه شده است که دائماً از آنها بزرگتر هستند. در واقع، همین واقعیت راه خود را به دنیای مدرن امروز باز کرده است، زیرا با حفر کانال سوئز، این منطقه، برای صدها سال و چند صد سال

استراتژیک‌ترین مکان روی زمین بود. زمانی دو سوم کشتیرانی بین‌المللی روی سطح زمین از کانال سوئز عبور می‌کرد.

بنابراین، حتی در دوران مدرن، اسرائیل در میان استراتژیک‌ترین مناطق روی زمین قرار دارد. در دهه پنجاه میلادی، قدرت‌های جهان انگشتان خود را روی دکمه هسته‌ای کانال سوئز گذاشته بودند. زمانی، اسرائیلی‌ها تمام مسیر دریای سرخ تا مصر را فتح کرده بودند و رئیس‌جمهور آیزنهاور به آنها گفت، به صراحت، برگردید و برگردید.

این منطقه بسیار استراتژیک است. اما یکی از بخش‌های مورد علاقه من در این داستان، جلب توجه شما به این واقعیت است که این منطقه از نظر الهیاتی اهمیت دارد، زیرا فکر می‌کنم خداوند قوم خود را تا حدی در اینجا قرار داده است تا بتوانند شهادی باشند بر اینکه او قصد داشته اسرائیل را به تمام جهان معرفی کند. با قرار گرفتن در محل تلاقی سه قاره، اسرائیل در موقعیتی است که می‌تواند اخبار مربوط به خدا را مانند معدود مکان‌های دیگر روی زمین به اشتراک بگذارد.

و این تصادفی نیست که در دوران عهد عتیق، مدت‌ها قبل از مسیحیت، خداوند به یونس دستور تبلیغ مذهبی داد. به یونس گفته شد که اسرائیل را ترک کند و انجیل را به شمال بین‌النهرین ببرد. من از کلمه انجیل به صورت نابهنگام استفاده می‌کنم.

این به زبان عهد جدید است، اما خبر خداست. این خبر خوب است که اگر نینوا توبه کند، خدا آنها را خواهد بخشید. بنابراین، وقتی به این موقعیت جغرافیایی نگاه می‌کنیم، می‌توانیم ببینیم که اسرائیل کاملاً در موقعیت مناسبی قرار داشت تا شهادی بر خدا برای کل جهان باستان باشد.

مصری‌ها ۲۰۰ مایل در جنوب و آشور ۶۰۰ یا ۷۰۰ مایل در شمال قرار دارند. اسرائیل در نهایت در موقعیتی بود که می‌توانست شاهد مناطقی در جنوب باشد.

تصادفی نیست که در دوران سلطنت سلیمان، ملکه سبا از آنچه خدا در اسرائیل انجام می‌دهد، مطلع می‌شود. او دیپلمات‌هایی می‌فرستد و جلسه‌ای ترتیب می‌دهد تا ببینند و با چشمان خود ببینند. بنابراین، آنچه که من به شما در مطالعه توپوگرافی پیشنهاد می‌کنم این است که این منطقه از نظر الهیاتی مهم است زیرا خدا می‌خواست قومش شاهد جهان آن دوران باشند.

برای اینکه بحثم را منحرف نکنم، می‌توانم به شما بگویم که این تصادفی نبوده که مسیحیت از این منطقه سرچشمه گرفته است؟ به نوعی می‌توان گفت که مسیحیت در اورشلیم آغاز شد و در اورشلیم، انجیل به یهودیه و سپس به سامره گسترش یافت. و سپس به انطاکیه، اینجا در بخش شمالی منطقه.

از انطاکیه، در شخص خواجه اتیوپیایی به شمال آفریقا نیز گسترش یافت. زمانی که آن بازه زمانی کوچک سی ساله در کتاب اعمال رسولان به پایان می‌رسد، مسیحیت تا روم گسترش یافته است. این یک محور جغرافیایی برای نقشه خدا در دوران باستان، چه در عهد عتیق و چه در عهد جدید، است.

شاید در ماه‌ها و سال‌های آینده به این هدف کمک کند. چه کسی می‌داند که نقشه خدا چگونه پیش خواهد رفت. اما وقتی کتاب مقدس را مطالعه می‌کنیم، توپوگرافی نقش اساسی در چگونگی عملکرد نقشه خدا در رابطه با جهان دارد.

فکر می‌کنم می‌توان استدلال موجهی ارائه داد که خداوند قوم خود را اینجا قرار داده است، زیرا او قصد داشته آنها شاهدی بر کل جهان باشند. این فکر خوبی است. اما قبل از اینکه این بخش از سخنرانی‌ام را تمام کنم، می‌خواهم فقط یک نکته را در مورد توپوگرافی اسرائیل ذکر کنم.

مطمئن نیستم که در این ساعت چقدر وقت داریم، اما کاری که انجام می‌دهم این است که آن را به شما معرفی کنم، و سپس با این شروع می‌کنیم و سپس ساعت بعدی را تمام می‌کنیم. انسان‌ها رابطه‌ی دردناکی با زمین داشته‌اند. به نظر می‌رسد که رفاه ما اغلب به قیمت زمین تمام می‌شود.

خب، چیزی که می‌خواهم در موردش با شما صحبت کنم این پدیده است. امیدوارم قبل از مرگتان بتوانید به اسرائیل بروید. این [رویداد] کاملاً توانایی شما را در درک کتاب مقدس تغییر می‌دهد.

اما وقتی بروید، مطمئنم که به کشور نگاه خواهید کرد و همان چیزی را خواهید گفت که سربازان آمریکایی هنگام رفتن به عراق گفتند. چرا کسی باید سر این موضوع بجنگد؟ به منطقه نگاه خواهید کرد و از خود خواهید پرسید که چرا کل این کشور به اندازه یک شهرستان در مرکز ایلینوی زمین کشاورزی خوب ندارد. حالا، کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که در جلسه بعدی‌مان در مورد این پدیده با شما صحبت کنم.

از اینکه با دقت گوش دادید متشکرم و در درس بعدی به این موضوع خواهیم پرداخت.

من دکتر دان فاولر هستم و در حال تدریس در مورد پیشینه عهد عتیق. این جلسه دوم، توپوگرافی بین النهرین و اسرائیل است.